

افطار نماید.

کد مسأله: ۶۰۲۴۷

مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می کند خوداری نماید

مسأله ۱۷۵۸

مسأله ۱۷۵۸- برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کارهای که روزه را باطل می کند خوداری نمایند: اول: مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد.

دوم: مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند برسد.

سوم: مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد.

چهارم: مریضی که بعد از ظهر خوب شود.

پنجم: زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود.

ششم: کافری که بعد از ظهر مسلمان شود. (۱)

۱- یا پیش از ظهر مسلمان شود چه افطار کرده باشد یا نه.

کد مسأله: ۶۰۲۵۰

مسأله ۱۷۵۹

مسأله ۱۷۵۹- مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند، ولی اگر کسی منتظر او است یا میل زیادی به غذا دارد که نمی تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند. ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورد.

کد مسأله: ۶۰۲۵۲

احکام خمس

مسأله ۱۷۶۰

مسأله ۱۷۶۰- در هفت چیز خمس واجب می شود: اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید. ششم: غنیمت جنگی. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد.

کد مسأله: ۶۰۲۵۶

۱- منفعت کسب

مسأله ۱۷۶۱

مسئله ۱۷۶۱- هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسبه‌های دیگر مالی به دست آورد، اگرچه مثلاً نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی پنج یک آن را به دستوری که بعداً گفته خواهد شد بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۵۸

مسئله ۱۷۶۲

مسئله ۱۷۶۲- اگر از غیر کسب، مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند، واجب نیست (۱) خمس آن را بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را هم بدهد.

۱- بلکه واجب است علی الاقوی

کد مسئله: ۶۰۲۶۰

مسئله ۱۷۶۳

مسئله ۱۷۶۳- مهری که زن می گیرد خمس ندارد. (۱) و همچنین است ارثی که به انسان می رسد. ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، احتیاط مستحب (۲) آن است خمس ارثی را که از او می برد، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد.

۱- بنابر احتیاط لازم خمس دارد.

۲- بلکه علی الاقوی خمس واجب است در میراث لایحتسب و فرقی بین دور و نزدیک نیست.

کد مسئله: ۶۰۲۶۶

مسئله ۱۷۶۴

مسئله ۱۷۶۴- اگر مالی به ارث به او برسد، و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد. و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۶۸

مسئله ۱۷۶۵

مسئله ۱۷۶۵- اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۱

مسئله ۱۷۶۶

مسئله ۱۷۶۶- کسی که دیگری مخارج او را می دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می آورد بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۳

مسئله ۱۷۶۷

مسئله ۱۷۶۷- اگر ملکی را بر افراد معینی، مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیايد، باید خمس آن را بدهند. بلکه اگر طور دیگری هم از ملک نفع ببرد مثلاً اجاره آن را بگیرند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد می آید بدهند.

۱- بلکه بنابر اقوی باید خمس بدهد

کد مسئله: ۶۰۲۷۷

مسئله ۱۷۶۸

مسئله ۱۷۶۸- اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکوه و صدقه مستحبی گرفته، (۱) از مخارج سالش زیاد بیايد، واجب نیست خمس آن را بدهد. ولی اگر از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد، و از مخارج سالش زیاد بیايد، باید خمس آن را بدهد.

۱- بنابر احتیاط واجب خمس در خصوص صدقه مستحبی بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۹

مسئله ۱۷۶۹

مسئله ۱۷۶۹- اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می خرم، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، معامله آن مقدار صحیح است. و انسان باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد، و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته، حاکم شرع خمس همان پول را می گیرد، و اگر از بین رفته، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می کند.

کد مسئله: ۶۰۲۸۲

مسئله ۱۷۷۰

مسئله ۱۷۷۰- اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد، معامله ای که کرده صحیح است. ولی چون از پولی که خمس در آن است بفروشنده داده، به مقدار پنج یک آن پول به او مدیون می باشد. و پولی را که به فروشنده داده اگر از بین نرفته، حاکم شرع پنج یک همان را می گیرد، و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می کند.

کد مسئله: ۶۰۲۸۴

مسئله ۱۷۷۱

مسئله ۱۷۷۱- اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند پنج یک آن مال را بگیرد، و اگر اجازه بدهد، معامله صحیح است. و خریدار باید مقدار پنج یک پول آن را به حاکم شرع بدهد، و اگر به فروشنده داده، می تواند از او پس بگیرد.

کد مسئله: ۶۰۲۸۷

مسئله ۱۷۷۲

مسئله ۱۷۷۲- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، پنج‌یک آن چیز مال او نمی‌شود.

کد مسئله: ۶۰۲۹۲

مسئله ۱۷۷۳

مسئله ۱۷۷۳- اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید. واجب نیست خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۹۴

مسئله ۱۷۷۴

مسئله ۱۷۷۴- تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که شروع به کاسبی می‌کنند، (۱) یک سال که بگذرد باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می‌آید بدهند. و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً منفعتی ببرد بعد از آن که یکسال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

۱- بلکه از زمان حصول صنعت علی الاقوی نه شروع کسب

کد مسئله: ۶۰۲۹۷

مسئله ۱۷۷۵

مسئله ۱۷۷۵- انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تاخیر بیندازد. و اگر برای دادن خمس سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد. (۱)

۱- خالی از اشکال نیست مدت در صورت اذن حاکم شرع در تأخیر (یعنی برای ده روز اختلاف سال شمسی و قمری از حاکم شرع اجازه بگیرد)

کد مسئله: ۶۰۲۹۹

مسئله ۱۷۷۶

مسئله ۱۷۷۶- کسی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقی مانده را بدهند.

کد مسئله: ۶۰۳۰۲

مسئله ۱۷۷۷

مسئله ۱۷۷۷- اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۳۰۴

مسئله ۱۷۷۸

مسئله ۱۷۷۸- اگر قیمت جنسی را که برای تجارت خریده بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را نفروشد و قیمتش پایین آید، چنانچه به اندازه ای نگهداشته که تجار معمولاً برای گران شدن جنس، آن را نگه می‌دارند، خمس مقداری را که بالا رفته بر او واجب نیست. (۱)

۱- واجب است علی الاقوی

کد مسئله: ۶۰۳۰۶

مسئله ۱۷۷۹

مسئله ۱۷۷۹- اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد، مثلاً به او بخشیده‌اند، (۱) چنانچه قیمتش بالا رود، اگرچه آن را بفروشد مقداری که بر قیمتش اضافه شده خمس ندارد، (۲) ولی اگر مثلاً درختی که خریده میوه بیاورد، یا گوسفندی چاق شود، در صورتی که مقصود او از نگهداری آنها این بوده که منفعتی از آن ببرد، باید خمس آنچه را زیاد شده بدهد. بلکه اگر مقصودش منفعت بردن هم نبوده، بنابر احتیاط واجب (۳) باید خمس آن را بدهد.

۱- علی الاقوی خمس واجب است چنانچه گذشت

۲- در صورت فروش خمس در اضافه قیمت لازم است اگر زائد بر مؤنه سال باشد

۳- علی الاقوی باید بدهد

کد مسئله: ۶۰۳۰۹

مسئله ۱۷۸۰

مسئله ۱۷۸۰- اگر باغی احداث کند برای آن که بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید خمس میوه و نمو درختها و زیادی قیمت باغ را بدهد، ولی اگر قصدش این باشد که از میوه آن استفاده کند، فقط باید خمس میوه و نمو درخت ها را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۳۱۱

مسئله ۱۷۸۱

مسئله ۱۷۸۱- اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد، سالی که موقع فروش آنها است، اگرچه آنها را نفروشد باید خمس آنها را بدهد (۱) ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال می‌برند استفاده‌ای ببرد و به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

۱- بلکه باید در هر سال زیادی آنها را خمس بدهد.

کد مسئله: ۶۰۳۱۴

مسئله ۱۷۸۲

مسئله ۱۷۸۲- کسی که چند رشته کسب دارد، مثلاً اجاره ملک می‌گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می‌کند، باید خمس آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد می‌آید بدهد. و چنانچه از یک رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند، بنابر احتیاط مستحب (۱) باید خمس نفعی را که برده بدهد.

۱- ولکن اقوی جبران و تدارک ضرر است چه در نوع واحد باشد یا در دو نوع مختلف و بعد از تدارک و جبران اگر از مؤنه سال زیاد آمد باید خمس بدهد والا واجب نیست.
کد مسأله: ۶۰۳۱۸

مسأله ۱۷۸۳

مسأله ۱۷۸۳- خرجهایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می‌کند، مانند دلالتی و حمالی می‌تواند جزء مخارج سالیانه حساب نماید.
کد مسأله: ۶۰۳۲۱

مسأله ۱۷۸۴

مسأله ۱۷۸۴- آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها می‌رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد خمس ندارد.
کد مسأله: ۶۰۳۲۳

مسأله ۱۷۸۵

مسأله ۱۷۸۵- مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است. و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد از مخارج سالیانه حساب می‌شود.
کد مسأله: ۶۰۳۲۶

مسأله ۱۷۸۶

مسأله ۱۷۸۶- اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزه دختر را تهیه می‌کنند، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزه بخرد، خمس آن را نباید بدهد و اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزه تهیه نماید، باید خمس آن را بدهد.
کد مسأله: ۶۰۳۴۱

مسأله ۱۷۸۷

مسأله ۱۷۸۷- مالی را که خرج سفر حج و زیارتهای دیگر می‌کند، از مخارج سالی حساب می‌شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده، اگرچه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد. (۱)
۱- آنچه در سال بعد خرج می‌شود از قبیل آذوقه و امثال آن که عینش باقی نمی‌ماند، باید تخمیس شود و از مؤنه نیست و آنچه عینش باقی می‌ماند مانند مرکب سواری از مؤنه حساب می‌شود و خمس ندارد.
کد مسأله: ۶۰۳۴۴

مسأله ۱۷۸۸

مسئله ۱۷۸۸- کسی که از کسب و تجارت فایده‌ای برده، اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می‌تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.
کد مسئله: ۶۰۳۵۰

مسئله ۱۷۸۹

مسئله ۱۷۸۹- اگر آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (۱) و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کند.
۱- اگر از منافع اکتساب تهیه کرده باشد نه از اصل سرمایه و مال
کد مسئله: ۶۰۳۵۲

مسئله ۱۷۹۰

مسئله ۱۷۹۰- اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس اثاثیه‌ای برای منزل بخرد، هر وقت احتیاجش از آن برطرف شود، احتیاط واجب (۱) آن است که خمس آن را بدهد. و همچنین است زیور آلات زنانه، اگر وقت زینت کردن زن به آنها گذشته باشد.
۱- این احتیاط و مابعدش واجب نیست و علی الاقوی خمس ندارد مگر آنکه در اثناء سال منفعت احتیاج برطرف شود و در این صورت باید خمس آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۰۳۵۵

مسئله ۱۷۹۱

مسئله ۱۷۹۱- اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمی‌تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برد کسر نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۵۷

مسئله ۱۷۹۲

مسئله ۱۷۹۲- اگر در اول سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی به دستش آید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه برداشته از منافع کسر کند.
کد مسئله: ۶۰۳۵۹

مسئله ۱۷۹۳

مسئله ۱۷۹۳- اگر مقداری از سرمایه از بین برود و از باقی مانده آن منفعتی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، نمی‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده (۱) از منافع بردارد. ولی اگر با سرمایه ای که برای او مانده، نتواند کسبی کند که سزاوار شأن او باشد، یا منفعتی که از آن پیدا می‌شود، برای مخارج او کافی نباشد، می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده از منافع کسر نماید.
۱- بلکه می‌توان علی الاقوی
کد مسئله: ۶۰۳۶۱

مسئله ۱۷۹۴

مسئله ۱۷۹۴- اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مالهای او از بین برود، نمی‌تواند از منفعتی که به دستش می‌آید آن چیز را تهیه کند. ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می‌تواند در بین سال از منافع کسب آن را تهیه کند.
کد مسئله: ۶۰۳۶۴

مسئله ۱۷۹۵

مسئله ۱۷۹۵- اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۶۷

مسئله ۱۷۹۶

مسئله ۱۷۹۶- اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند، می‌تواند از منافع سالهای بعد قرض خود را ادا نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۷۰

مسئله ۱۷۹۷

مسئله ۱۷۹۷- اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند، نمی‌تواند از منافع کسب آن قرض را بدهد، ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد، می‌تواند از منافع کسب قرض را ادا نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۷۲

مسئله ۱۷۹۸

مسئله ۱۷۹۸- انسان می‌توان خمس هر چیز را از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است، پول یا جنس دیگر بدهد.
کد مسئله: ۶۰۳۷۵

مسئله ۱۷۹۹

مسئله ۱۷۹۹- کسی که قصد دادن خمس را دارد تا پنج یک مال باقی است می‌تواند در بقیه آن تصرف کند.
۱- نمی‌تواند تصرف کند مگر بدادن خمس یا اجازه حاکم شرع
کد مسئله: ۶۰۳۷۷

مسئله ۱۸۰۰

مسئله ۱۸۰۰- کسی که خمس بدهکار است، نمی‌تواند آن را به ذمه بگیرد، یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال

تصرف کند، و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود، باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۸۰

مسأله ۱۸۰۱

مسأله ۱۸۰۱- کسی که خمس بدهکار است اگر با حاکم شرع مصالحه کند، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید، و بعد از مصالحه، منافعی که از آن به دست می‌آید مال خود اوست.

کد مسأله: ۶۰۳۸۲

مسأله ۱۸۰۲

مسأله ۱۸۰۲- کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد، هیچ کدام نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

کد مسأله: ۶۰۳۸۵

مسأله ۱۸۰۳

مسأله ۱۸۰۳- اگر بچه صغیر سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، بنابر احتیاط واجب (۱) بعد از آنکه بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

۱- بلکه علی‌الاقوی بر ولی واجب است قبل از بلوغ اخراج (خمس) کند.

کد مسأله: ۶۰۳۸۷

مسأله ۱۸۰۴

مسأله ۱۸۰۴- انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده‌اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده‌اند یا نه، می‌تواند تصرف نماید.

کد مسأله: ۶۰۳۸۹

مسأله ۱۸۰۵

مسأله ۱۸۰۵- کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالارود، چنانچه آن ملک را برای آن نخریده که قیمتش بالا رود و بفروشد، مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است، در صورتی که آن را خریده و از پول خمس نداده قیمت آن را داده، باید خمس قیمتی را که خریده بدهد. ولی اگر مثلاً پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته این ملک را به این پول می‌خرم، در صورتی که حاکم شرع معامله پنج‌یک آن را اجازه بدهد، خریدار باید خمس مقداری که آن ملک ارزش دارد بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۹۲

مسأله ۱۸۰۶

مسئله ۱۸۰۶- کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته، (۱) باید خمس آن را بدهد، و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بدانند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد. و اگر ندانند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب (۲) باید با حاکم شرع مصالحه کند.

۱- بلکه یک سال از ابتداء حصول رنج گذشته باشد نه یک سال از خرید آن

۲- واجب نیست ولی مستحسن است

کد مسئله: ۶۰۳۹۴

۲- معدن

مسئله ۱۸۰۷

مسئله ۱۸۰۷- اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر چیزی به دست آورد، در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۳۹۷

مسئله ۱۸۰۸

مسئله ۱۸۰۸- نصاب معدن (۱) بنابر احتیاط ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلاست، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

۱- نصاب معدن فقط به مقدار بیست مثقال طلای مسکوک شرعی که مطابق پانزده مثقال صیرفی است می باشد و نصاب دیگری ندارد.

کد مسئله: ۶۰۴۰۰

مسئله ۱۸۰۹

مسئله ۱۸۰۹- استفاده‌ای را که از معدن برده، اگر قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره (۱) یا ۱۵ مثقال طلا نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

۱- در مسئله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می باشد.

کد مسئله: ۶۰۴۰۲

مسئله ۱۸۱۰

مسئله ۱۸۱۰- گچ و آهک و گل سر شور و گل سرخ از چیزهای معدن نیست (۱) و کسی که اینها را بیرون می آورد، در صورتی باید خمس بدهد که آنچه را بیرون آورده، به تنهایی یا با منافع دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید.

۱- بلکه معدنی است و احکام معدن بر آنها جاری است علی الاقوی

کد مسأله: ۶۰۴۰۴

مسأله ۱۸۱۱

مسأله ۱۸۱۱- کسی که از معدن چیزی به دست می‌آورد باید خمس آن را بدهد، چه معدن روی زمین باشد یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است یا در جایی باشد که مالک ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۰۸

مسأله ۱۸۱۲

مسأله ۱۸۱۲- اگر نداند قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۰۵ مثقال نقره (۱) یا ۱۵ مثقال طلا می‌رسد یا نه، باید به وزن کردن یا از راه دیگر قیمت آن را معلوم کند. (۲)

۱- در مسأله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می‌باشد.

۲- بنابر احتیاط واجب

کد مسأله: ۶۰۴۱۰

مسأله ۱۸۱۳

مسأله ۱۸۱۳- اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اند قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، (۱) اگر چه سهم هر کدام آنها این مقدار نباشد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهند. (۲)

۱- در مسأله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می‌باشد.

۲- این احتیاط واجب نیست و اقوی عدم وجوب خمس است.

کد مسأله: ۶۰۴۱۳

مسأله ۱۸۱۴

مسأله ۱۸۱۴- اگر معدنی را که در ملک دیگری است بیرون آورد، آنچه از آن به دست می‌آید مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد. (۱)

۱- در صورتی که به حد نصاب رسیده باشد و الا خمس ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۱۵

۳- گنج**مسأله ۱۸۱۵**

مسأله ۱۸۱۵- گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند، و طوری باشد که به آن گنج بگویند.

کد مسأله: ۶۰۴۱۸

مسئله ۱۸۱۶

مسئله ۱۸۱۶- اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۰۴۲۵

مسئله ۱۸۱۷

مسئله ۱۸۱۷- نصاب گنج بنابر احتیاط ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می‌آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. (۱)

۱- علی الاقوی باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۲۷

مسئله ۱۸۱۸

مسئله ۱۸۱۸- اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد. ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد، و اگر معلوم شود مال هیچ یک آنان نیست مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۳۰

مسئله ۱۸۱۹

مسئله ۱۸۱۹- اگر در ظرفهای متعددی که در یک جا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا باشد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس آن را بدهد. ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، بنابر احتیاط خمس آن واجب است (۲) و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده خمس ندارد.

۱- بلکه علی الاقوی باید خمس بدهد

۲- بلکه علی الاقوی خمس آن واجب است.

کد مسئله: ۶۰۴۳۴

مسئله ۱۸۲۰

مسئله ۱۸۲۰- اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، اگرچه سهم هر یک از آنان به این مقدار نباشد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس آن را بدهند.

۱- واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۰۴۳۶

مسئله ۱۸۲۱

مسئله ۱۸۲۱- اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند چنانچه احتمال دهد که مال فروشنده است، باید به او خبر دهد. و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند، و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک آنان نیست، اگرچه قیمت آن ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا نباشد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۰۴۳۹

۴- مال حلال مخلوط به حرام

مسئله ۱۸۲۲

مسئله ۱۸۲۲- اگر مال حلال با مال حرام بطوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.
کد مسئله: ۶۰۴۴۲

مسئله ۱۸۲۳

مسئله ۱۸۲۳- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.
کد مسئله: ۶۰۴۴۴

مسئله ۱۸۲۴

مسئله ۱۸۲۴- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند (۱) و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال اوست به او بدهد، و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد مال اوست به او بدهد.
۱- مصالحه یکی از طرق تخلص است و تعیین ندارد.
کد مسئله: ۶۰۴۴۶

مسئله ۱۸۲۵

مسئله ۱۸۲۵- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنابر احتیاط واجب (۱) باید مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.
۱- واجب نیست ولی مستحسن است خصوصاً با اذن حاکم شرع
کد مسئله: ۶۰۴۵۰

مسئله ۱۸۲۶

مسئله ۱۸۲۶- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آنکه صاحبش پیدا شد بنابر احتیاط واجب (۱) باید به مقدار مالش به او بدهد.

۱- در مورد مال حلال مخلوط به حرام اقوی عدم ضمان است و احتیاط مستحسن است و در مورد مجهول المالک اقوی ضمان است اگر مالک صدقه را قبول نکند و الا اقوی عدم ضمان است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۲

۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می‌آید

مسئله ۱۸۲۷

مسئله ۱۸۲۷- اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند بفهمد کیست، باید آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند. (۱)

۱- اقوی جلب رضایت همه آن افراد است و اگر ممکن نشد باید با قرعه تعیین مالک نماید و تمام مال را با آن رد کند نه تقسیم بین آنها به طور مساوی

کد مسئله: ۶۰۴۵۴

مسئله ۱۸۲۸

مسئله ۱۸۲۸- اگر به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری بیرون آورند، رویدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده‌اند، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، یک نفر آن را بیرون آورده باشد، یا چند نفر. (۱)

۱- در صورتی که سهم هر یک به مقدار نصاب برسد والا واجب نیست علی الاقوی اگرچه مستحسن است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۷

مسئله ۱۸۲۹

مسئله ۱۸۲۹- اگر بدون فرو رفتن در دریا به وسیله اسبابی جواهر بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده قیمت آن به ۱۸ نخود طلا- برسد بنابر احتیاط خمس آن واجب است. ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که آنچه را به دست آورده به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادت‌تر باشد. (۱)

۱- ولو به حد نصاب نرسد خمس به عنوان ارباب مکاسب لازم است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۹

مسئله ۱۸۳۰

مسئله ۱۸۳۰- خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد (۱) در صورتی واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادت‌تر باشد.

۱- یا با فرو رفتن در دریا بگیرد این قید مدخلیتی در حکم ندارد و در هر دو صورت حکم یکی است و باید به عنوان ارباح مکاسب خمس آن را بدهند.
کد مسأله: ۶۰۴۶۲

مسأله ۱۸۳۱

مسأله ۱۸۳۱- اگر انسان بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.
کد مسأله: ۶۰۴۶۴

مسأله ۱۸۳۲

مسأله ۱۸۳۲- اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش هیچ‌ده نخود طلا یا بیشتر باشد چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر است، باید خمس آن را بدهد، و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.
کد مسأله: ۶۰۴۶۷

مسأله ۱۸۳۳

مسأله ۱۸۳۳- اگر در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می‌آید باید خمس آن را بدهد.
کد مسأله: ۶۰۴۶۹

مسأله ۱۸۳۴

مسأله ۱۸۳۴- اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد باید خمس آن را بدهد و چنانچه از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد اگر قیمت آن به مقدار ۱۸ نخود طلا هم نرسد بنا بر احتیاط (۱) خمس آن واجب است.

۱- اقوی عدم وجوب خمس است اگرچه مستحسن است مگر در صورتی که از منافع سال زیاد آید که خمس به عنوان مکاسب به آن تعلق می‌گیرد نه به عنوان غوص
کد مسأله: ۶۰۴۷۲

مسأله ۱۸۳۵

مسأله ۱۸۳۵- کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.
کد مسأله: ۶۰۴۷۵

مسئله ۱۸۳۶

مسئله ۱۸۳۶- اگر بچه‌ای معدنی را بیرون آورد یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی پیدا کند یا به واسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد ولی او باید خمس آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۷۷

۶- غنیمت**مسئله ۱۸۳۷**

مسئله ۱۸۳۷- اگر مسلمانان به امر امام (ع) علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند به آنها غنیمت گفته می‌شود. و مخارجی را که برای غنیمت کرده‌اند مانند مخارج نگهداری، و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند.

۱- و اگر به امر امام (ع) نباشد غنیمت ملک امام (ع) است و اگر در زمان غیبت واقع شود اگر به عنوان دعوت به اسلام است باز غنیمت ملک امام (ع) است و اگر به عنوان ازدیاد ملک باشد غنیمت ملک آخذین است و باید بعد از زیاد آمدن آن از مؤنه سال به عنوان ارباب مکاسب پردازد نه به عنوان غنیمت که شرط آن زیاد آمدن از مؤنه سال نیست.

کد مسئله: ۶۰۴۷۹

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد**مسئله ۱۸۳۸**

مسئله ۱۸۳۸- اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین یا از مال دیگرش بدهد. و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، باید خمس زمین را بدهد و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می‌گیرد، لازم نیست قصد قربت نماید.

کد مسئله: ۶۰۴۸۱

مسئله ۱۸۳۹

مسئله ۱۸۳۹- اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده به مسلمان دیگری هم بفروشد باید خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید خمس آن را از همان زمین یا از مال دیگرش بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۸۴

مسئله ۱۸۴۰

مسئله ۱۸۴۰- اگر کافر ذمی موقع خرید زمین شرط کند که خمس ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۸۶

مسأله ۱۸۴۱

مسأله ۱۸۴۱- اگر مسلمان زمینی را به غیر خرید و فروش، ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد مثلاً به او صلح نماید، کافر ذمی باید خمس آن را بدهد. (۱)

۱- لازم نیست اگرچه احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۴۸۸

مسأله ۱۸۴۲

مسأله ۱۸۴۲- اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد، باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۴۹۱

مصرف خمس**مسأله ۱۸۴۳**

مسأله ۱۸۴۳- خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است، و باید به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام (ع) است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند ولی اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کند بدهد، در صورتی به او اذن داده می شود که بداند آن متجهد و مجتهدی که از او تقلید می کند، سهم امام را به یک طور مصرف می کنند.

کد مسأله: ۶۰۴۹۵

مسأله ۱۸۴۴

مسأله ۱۸۴۴- سید یتیمی که به او خمس می دهند، باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر درمانده شده اگر در وطنش فقیر نباشد می شود خمس داد.

کد مسأله: ۶۰۴۹۷

مسأله ۱۸۴۵

مسأله ۱۸۴۵- به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد بنابر احتیاط واجب (۱) نباید خمس بدهند.

۱- این احتیاط واجب نیست و دادن خمس اشکالی ندارد اگرچه ترک آن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۰

مسأله ۱۸۴۶

مسأله ۱۸۴۶- به سیدی که عادل نیست می شود خمس داد، ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند. (۱)

۱- بنابر احتیاط اگر اعانت بر عدم ایمان باشد و الا جائز است چون جزء مؤلفه بین قلوب محسوب می شود.

کد مسأله: ۶۰۵۰۲

مسأله ۱۸۴۷

مسأله ۱۸۴۷- به سیدی که معصیت کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد نمی شود خمس داد و به سیدی هم که آشکارا معصیت می کند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنابر احتیاط واجب (۱) نباید خمس بدهند.

۱- این احتیاط واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۴

مسأله ۱۸۴۸

مسأله ۱۸۴۸- اگر کسی بگوید سیدم نمی شود به او خمس داد مگر آنکه دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین کند (۱) سید است.

۱- یا اطمینان پیدا کند که سید است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۷

مسأله ۱۸۴۹

مسأله ۱۸۴۹- به کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است، اگر چه انسان به سید بودن او یقین (۱) نداشته باشد، می شود خمس داد.

۱- بلکه باید وثوق و اطمینان داشته باشد والا نمی شود به او خمس داد.

کد مسأله: ۶۰۵۱۲

مسأله ۱۸۵۰

مسأله ۱۸۵۰- کسی که زنش سیده است بنابر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان خمس به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند.

کد مسأله: ۶۰۵۱۶

مسأله ۱۸۵۱

مسأله ۱۸۵۱- اگر مخارج سیدی که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد. بنابر احتیاط واجب نمی تواند از خمس، خوراک و پوشاک او را بدهد ولی اگر مقداری خمس ملک او کند که به مصرف مخارج خودش برساند (۱) مانعی ندارد.

۱- در صورتی که واجب النفقه باشد نمی شود برای مخارج خودش تملیک او کند ولی برای غیر خودش که واجب النفقه خمس دهنده باشند می شود داد.

کد مسأله: ۶۰۵۲۰

مسئله ۱۸۵۲

مسئله ۱۸۵۲- به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی تواند مخارج آن سید را بدهد می شود خمس داد.
کد مسئله: ۶۰۵۲۴

مسئله ۱۸۵۳

مسئله ۱۸۵۳- احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یکسال به یک سید فقیر خمس ندهند.
کد مسئله: ۶۰۵۲۷

مسئله ۱۸۵۴

مسئله ۱۸۵۴- اگر در شهر انسان سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد باید خمس را به شهر دیگر برد و به مستحق به رساند و می تواند (۱) مخارج بردن آن را از خمس بردارد. و اگر خمس از بین برود. چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده ، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

۱- در نقل واجب نه نقل مستحسن (یعنی به شرط بودن فقیر در شهر اگر انتقال دهد این نقل مستحسن است و با نبود فقیر در شهر انتقال واجب است).
کد مسئله: ۶۰۵۲۹

مسئله ۱۸۵۵

مسئله ۱۸۵۵- هرگاه در شهر خودش مستحق نباشد، ولی احتمال دهد که پیدا شود اگرچه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد، می تواند خمس را به شهر دیگر برد و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود نباید چیزی بدهد ولی نمی تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.
کد مسئله: ۶۰۵۳۱

مسئله ۱۸۵۶

مسئله ۱۸۵۶- اگر در شهر خویش مستحق پیدا شود، باز هم می تواند خمس را به شهر دیگر برد و به مستحق برساند. ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود اگرچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است.
کد مسئله: ۶۰۵۳۴

مسئله ۱۸۵۷

مسئله ۱۸۵۷- اگر با اذن حاکم شرع خمس را به شهر دیگر برد و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد و همچنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر برد.

کد مسأله: ۶۰۵۳۶

مسأله ۱۸۵۸

مسأله ۱۸۵۸- اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند، اگر چه مستحق به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

کد مسأله: ۶۰۵۳۹

مسأله ۱۸۵۹

مسأله ۱۸۵۹- کسی که از مستحق طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس را به او بدهد و بعد مستحق بابت بدهی خود به او برگرداند.

۱- این احتیاط واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۴۱

مسأله ۱۸۶۰

مسأله ۱۸۶۰- مستحق نمی‌تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۰۵۴۳

احکام زکوه**مسأله ۱۸۶۱**

مسأله ۱۸۶۱- زکوه نه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود باید مقداری که معین شده به یکی از مصرفهایی که دستور داده‌اند برساند.

کد مسأله: ۶۲۹۷۴

مسأله ۱۸۶۲

مسأله ۱۸۶۲- سلت که دانه‌ای است به نرمی گندم و خاصیت جو دارد، و علس که مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا می‌باشد، زکوتشان بنابر احتیاط واجب باید داده شود.

کد مسأله: ۶۲۹۸۲

شرایط واجب شدن زکوه**مسأله ۱۸۶۳**

مسئله ۱۸۶۳- زکوه در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می‌شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

کد مسئله: ۶۲۹۸۵

مسئله ۱۸۶۴

مسئله ۱۸۶۴- اگر انسان یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم باید زکوه آن را بدهد. ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.

کد مسئله: ۶۲۹۸۷

مسئله ۱۸۶۵

مسئله ۱۸۶۵- اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه را بدهد مثلاً اگر بچه ای در اول محرم مالک چهل گوسفند شود و بعد از گذشتن دو ماه بالغ گردد، یازده ماه که از اول محرم بگذرد، اگر شرایط دیگر را هم دارا باشد احتیاطاً باید زکوه آن را بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست و اول حول از اول بلوغ است.

کد مسئله: ۶۲۹۹۱

مسئله ۱۸۶۶

مسئله ۱۸۶۶- زکوه گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آنها گندم و جو گفته شود، و زکوه کشمش بنا بر احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است، (۱) و موقعی هم که رنگ خرما زرد یا سرخ شد (۲) بنا بر احتیاط زکوه آن واجب می‌شود. ولی وقت دادن زکوه در گندم و جو موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند. (۳)

۱- وقتی واجب می‌شود که عنوان انگور بر او صادق باشد علی‌الاقوی

۲- وقتی واجب می‌شود که عنوان خرما بر او صدق کند.

۳- در موقع کندن خرمان و انگور است.

کد مسئله: ۶۲۹۹۷

مسئله ۱۸۶۷

مسئله ۱۸۶۷- اگر موقع واجب شدن زکوه گندم و جو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شد صاحب آنها بالغ باشد باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۰۰۰

مسئله ۱۸۶۸

مسئله ۱۸۶۸- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکوه بر او واجب نیست. ولی اگر در

مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد، بنابر احتیاط زکوه بر او واجب است. (۱)

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۰۰۲

مسأله ۱۸۶۹

مسأله ۱۸۶۹- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود، زکوه از او ساقط نمی‌شود و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوه گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۰۵

مسأله ۱۸۷۰

مسأله ۱۸۷۰- مالی را که از انسان غصب کرده‌اند و نمی‌تواند در آن تصرف کند زکوه ندارد ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکوه آن واجب می‌شود، در دست غصب کننده باشد هر وقت به صاحبش برگشت، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه آن را بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است

کد مسأله: ۶۳۰۱۰

مسأله ۱۸۷۱

مسأله ۱۸۷۱- اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکوه آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکوه آن را بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۰۱۵

زکوه گندم و جو و خرما و کشمش

مسأله ۱۸۷۲

مسأله ۱۸۷۲- زکوه گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز (۱) و ۴۵ مثقال کم است که ۲۰۷/۸۴۷ کیلو گرم می‌شود. (۲)

۱- بلکه (۱/۴) ۵۳ مثقال کم است و ظاهراً در حساب اشتباه شده است.

۲- بلکه در حدود ۱۷ کیلو بیشتر از مقدار مذکور می‌شود و بهتر آن است که به حسب من تبریز نصاب را حساب کنند تا اشتباه کمتر باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۱۸

مسأله ۱۸۷۳

مسأله ۱۸۷۳- اگر پیش از دادن زکوه از انگور و خرما و جو و گندمی که زکوه آنها واجب شده خود و عیالاتش بخورند یا مثلاً به

فقیر بدهد، باید زکوه مقداری (۱) را که مصرف کرده بدهد.

۱- اگر زاید از مقدار متعارف مصرف کرده باشد والا به مقدار متعارف زکوه ندارد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۰

مسأله ۱۸۷۴

مسأله ۱۸۷۴- اگر بعد از آن که زکوه گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکوه را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از واجب شدن زکوه بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است باید زکوه سهم خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۳

مسأله ۱۸۷۵

مسأله ۱۸۷۵- کسی که از طرف حاکم شرع مامور جمع آوری زکوه است موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور می تواند زکوه را مطالبه کند. و اگر مالک ندهد و چیزی که زکوه آن واجب شده از بین برود باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۶

مسأله ۱۸۷۶

مسأله ۱۸۷۶- اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکوه آنها واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود (۱) باید زکوه آن را بدهد.

۱- بلکه در ملک او خرما شود چنانچه سابقاً گذشت.

کد مسأله: ۶۳۰۲۹

مسأله ۱۸۷۷

مسأله ۱۸۷۷- اگر بعد از آن که زکوه گندم و جو و خرما و انگور واجب شد زراعت و درخت را بفروشد، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۳۱

مسأله ۱۸۷۸

مسأله ۱۸۷۸- اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکوه آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و اگر بداند که زکوه آن را نداده چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکوه داده شود اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند مقدار زکوه را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکوه را اجازه دهد معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد می تواند از او پس بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۰۳۳

مسئله ۱۸۷۹

مسئله ۱۸۷۹- اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تراست به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکوه آن واجب نیست.
کد مسئله: ۶۳۰۳۵

مسئله ۱۸۸۰

مسئله ۱۸۸۰- اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند چنانچه خشک آنها به اندازه نصاب باشد باید زکوه آنها را بدهد.
کد مسئله: ۶۳۰۳۸

مسئله ۱۸۸۱

مسئله ۱۸۸۱- خرمایی که تازه آن را می‌خورند و اگر بماند خیلی کم می‌شود یا بعد از خشک شدن، خرما به آن نمی‌گویند چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، زکوه آن واجب است. (۱)
۱- اگر بعد از خشک شدن عنوان خرما بر آن صادق نباشد زکوه واجب نیست ولو این که بعد از خشک شدن به مقدار نصاب باشد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۲

مسئله ۱۸۸۲

مسئله ۱۸۸۲- گندم و جو و خرما و کشمش که زکوه آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند، زکوه ندارد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۴

مسئله ۱۸۸۳

مسئله ۱۸۸۳- اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر مشروب شود، یا مثل زراعت های مصر از رطوبت زمین استفاده کند، زکوه آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود، زکوه آن بیست یک است. و اگر مقداری از باران، یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، زکوه نصف آن ده یک و زکوه نصف دیگر آن بیست یک می باشد یعنی از چهل قسمت سه قسمت آن را باید بابت زکوه بدهد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۷

مسئله ۱۸۸۴

مسئله ۱۸۸۴- اگر گندم و جو و خرما و انگور هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن غلبه داشته (۱) زکوه آن بیست یک است، و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران غلبه داشته زکوه آن ده یک است بلکه اگر نگویند آب باران و نهر غلبه داشته ولی آبیاری با آب باران و نهر بیشتر از آب دلو و

مانند آن باشد بنابر احتیاط واجب زکوه آن ده یک می‌باشد.

۱- ملاک غلبه نیست بلکه عرفاً صدق کند که به آب باران یا جاری مشروب شده یا صدق کند که با آب چاه یا با دلو مشروب شده و در صورت اول ده یک و در صورت دوم بیست یک و در صورت شک ده یک واجب نیست و احتیاط لازم نیست اگرچه مستحسن است و اقوی از هر چهل قسمت سه قسمت است در صورتی که صدق کند بهر دو مشروب شده والا بیست یک واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۵۱

مسأله ۱۸۸۵

مسأله ۱۸۸۵- اگر شک کند که آبیاری با آب باران و آب دلو به یک اندازه بوده یا آب باران غلبه داشته، می‌تواند از نصف آن ده یک و از نصف دیگر آن بیست یک بدهد و نیز اگر شک کند (۱) که هر دو به یک اندازه بوده، یا آبیاری با دلو غلبه داشته می‌تواند زکوه تمام آن را بیست یک بدهد.

۱- در صدق آبیاری هر دو یا آبیاری به جاری فقط $\frac{3}{40}$ واجب است و اگر شک کند در صدق آبیاری بهر دو یا آبیاری به دلو بیست یک واجب است و اگر شک کند در صدق آبیاری بهر دو یا آبیاری به جاری یا آبیاری به دلو بیست یک کافی است.

کد مسأله: ۶۳۰۵۵

مسأله ۱۸۸۶

مسأله ۱۸۸۶- اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران و نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند، زکوه آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر و باران محتاج نباشد، ولی با آب نهر و باران هم مشروب شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند زکوه آن بیست یک است.

کد مسأله: ۶۳۰۶۱

مسأله ۱۸۸۷

مسأله ۱۸۸۷- اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند، و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکوه زراعتی که با دلو آبیاری شده بیست یک و زکوه زراعتی که پهلوی آن است ده یک می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۶۳

مسأله ۱۸۸۸

مسأله ۱۸۸۸- مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است، حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به واسطه زراعت کم شده می‌تواند از حاصل کسر کند، و چنانچه باقیمانده آن به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکوه آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۶۷

مسئله ۱۸۸۹

مسئله ۱۸۸۹- تخمی را که به مصرف زراعت رسانده، اگر از خودش باشد، به مقدار وزن آن می تواند از حاصل کسر کند و اگر خریده باشد، می تواند قیمتی را که برای خرید آن داده جزء مخارج حساب نماید. (۱)

۱- در صورت خرید هم مثل صورت اول خود بذر را از حاصل کسر می کند نه قیمت آن را

کد مسئله: ۶۳۰۷۰

مسئله ۱۸۹۰

مسئله ۱۸۹۰- اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی اجرت انجام داده چیزی از حاصل کسر نمی شود.

کد مسئله: ۶۳۰۷۷

مسئله ۱۸۹۱

مسئله ۱۸۹۱- اگر درخت انگور یا خرما را بخرد قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن بخرد، (۱)

پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می شود.

۱- در صورتی که در ملک مشتری مورد تعلق زکوه شود نه در ملک بایع

کد مسئله: ۶۳۰۷۹

مسئله ۱۸۹۲

مسئله ۱۸۹۲- اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی شود ولی اگر زراعت را بخرد، پولی را که برای خرید آن داده می تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن بدست می آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید. مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن صد تومان باشد فقط چهارصد تومان آن را می تواند جزء مخارج حساب نماید. (۱)

۱- در صورتی که در ملک مشتری زکوه به آن تعلق بگیرد نه در ملک بایع

کد مسئله: ۶۳۰۸۲

مسئله ۱۸۹۳

مسئله ۱۸۹۳- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است می تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزو مخارج حساب نماید.

کد مسئله: ۶۳۰۸۵

مسئله ۱۸۹۴

مسئله ۱۸۹۴- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است، نمی تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و به

واسطه زراعت به کلی از بین بروند می‌تواند تمام قیمت آنها را جزو مخارج حساب نماید. و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود می‌تواند آن مقدار را جزو مخارج حساب کند ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۸۸

مسأله ۱۸۹۵

مسأله ۱۸۹۵- اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکوه آن واجب نیست بکار چنانچه مقصودش زراعت کردن چیزی بوده که زکوه ندارد و بعداً چیزی را که زکوه دارد زراعت کرده، نباید مخارج را حساب کند و اگر مقصودش زراعت کردن چیزی بوده که زکوه دارد و بعداً چیزی را که زکوه ندارد زراعت کرده می‌تواند تمام مخارج را حساب نماید و از حاصل کم کند و در صورتی که مقصودش زراعت هر دو بوده مخارجی را که کرده باید به هر دو قسمت نماید مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می‌تواند نصف مخارج را از جنسی که زکوه دارد کسر نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۹۰

مسأله ۱۸۹۶

مسأله ۱۸۹۶- اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فایده دارد خرجی کند، می‌تواند آن را جزء مخارج سال اول حساب نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۹۳

مسأله ۱۸۹۷

مسأله ۱۸۹۷- اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی‌آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود چنانچه چیزی که اول می‌رسد به اندازه نصاب یعنی ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم باشد باید زکوه آن را موقعی که می‌رسد بدهد و زکوه بقیه را هر وقت به دست می‌آید ادا نماید و اگر آنچه اول می‌رسد به اندازه نصاب نباشد، در صورتی که یقین دارد با آنچه به دست می‌آید به اندازه نصاب می‌شود، باز هم واجب است (۱) زکوه آنچه را که رسیده همان وقت و زکوه بقیه را موقعی که می‌رسد بدهد و اگر یقین ندارد که همه آنها به اندازه نصاب شود، صبر می‌کند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکوه آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود زکوه آن واجب نیست.

۱- بلکه واجب نیست و باید صبر کند تا نصاب کامل شود آن وقت واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۹۵

مسأله ۱۸۹۸

مسأله ۱۸۹۸- اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد بنابر احتیاط زکوه آن واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۹۷

مسئله ۱۸۹۹

مسئله ۱۸۹۹- اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می شود، چنانچه به قصد زکوه از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکوتی باشد که برای او واجب است اشکال ندارد.
کد مسئله: ۶۳۱۰۰

مسئله ۱۹۰۰

مسئله ۱۹۰۰- اگر زکوه خرما یا خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکوه آن را خرما یا تازه یا انگور بدهد و نیز اگر زکوه خرما یا تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی تواند زکوه آن را خرما یا خشک یا کشمش بدهد اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکوه بدهد مانعی ندارد.
کد مسئله: ۶۳۱۱۵

مسئله ۱۹۰۱

مسئله ۱۹۰۱- کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکوه آن واجب شده اگر بمیرد باید اول تمام زکوه را از مالی که زکوه آن واجب شده بدهد بعد قرض او را ادا نمایند.
کد مسئله: ۶۳۱۳۳

مسئله ۱۹۰۲

مسئله ۱۹۰۲- کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد اگر بمیرد و پیش از آن که زکوه اینها واجب شود ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد باید زکوه بدهد و اگر پیش از آن که زکوه اینها واجب شود قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد، واجب نیست زکوه اینها را بدهند و اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد در صورتی که بدهی او بقدری است که اگر بخواهند ادا نمایند باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکوه ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود باید زکوه آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۳۱۳۸

مسئله ۱۹۰۳

مسئله ۱۹۰۳- اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکوه آنها واجب شده خوب و بد دارد، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد.
۱- واقعی جواز اداء زکوه است از جنس خوب
کد مسئله: ۶۳۱۴۳

مسئله ۱۹۰۴

مسئله ۱۹۰۴- طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، انسان باید چهل یک آن را که نه نخود می‌شود از بابت زکوه بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکوه آن واجب نیست. و نصاب دوم آن چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می‌شود یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکوه تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل یک بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکوه ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوه ندارد، و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود باید زکوه تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکوه ندارد.

کد مسئله: ۶۳۱۴۷

نصاب نقره**مسئله ۱۹۰۵**

مسئله ۱۹۰۵- نقره دو نصاب دارد: نصاب اول آن ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد انسان باید چهل یک آن را که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکوه بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکوه آن واجب نیست. و نصاب دوم آن، ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود باید زکوه تمام ۱۲۶ مثقال را بطوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود فقط باید زکوه ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوه ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود باید زکوه تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکوه ندارد. بنابراین اگر انسان چهل یک هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکوتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد اگر چهل یک آن را بدهد، زکوه ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

کد مسئله: ۶۳۱۵۰

مسئله ۱۹۰۶

مسئله ۱۹۰۶- کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگر چه زکوه آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده همه ساله باید زکوه آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۱۵۴

مسئله ۱۹۰۷

مسئله ۱۹۰۷- زکوه طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رواج باشد و اگر سکه آن از بین رفته باشد، باید زکوه آن را بدهند. (۱)

۱- در صورت رواج بنابر احتیاط واجب و در صورت عدم رواج واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۶۹

مسئله ۱۹۰۸

مسئله ۱۹۰۸- طلا و نقره سکه داری که زنها برای زینت به کار می‌برند، در صورتیکه معامله با آن رواج داشته باشد زکوه آن واجب است بلکه اگر معامله با آن رواج نباشد، ولی پول طلا و نقره به آن بگویند. بنابر احتیاط زکوه آن واجب می‌باشد. (۱)
۱- علی الاقوی زکوه آن واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۱

مسئله ۱۹۰۹

مسئله ۱۹۰۹- کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکوه بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۴

مسئله ۱۹۱۰

مسئله ۱۹۱۰- چنان که سابقاً گفته شد، زکوه طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد، و اگر در بین یازده ماه طلا و نقره اواز نصاب اول کمتر شود، زکوه بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۷

مسئله ۱۹۱۱

مسئله ۱۹۱۱- اگر در بین یازده ماه طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید، یا آنها را آب کند، زکوه بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از دادن زکوه این کارها را بکند، احتیاط مستحب آن است که زکوه را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۰

مسئله ۱۹۱۲

مسئله ۱۹۱۲- اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکوه آنها را بدهد، و چنانچه به واسطه آب کردن وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکوتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۲

مسئله ۱۹۱۳

مسئله ۱۹۱۳- اگر طلا و نقره‌ای که دارد خوب و بد داشته باشد، می‌تواند زکوه هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد، ولی بهتر است زکوه همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۹

مسئله ۱۹۱۴

مسئله ۱۹۱۴- طلا و نقره‌ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگر دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب که مقدار آن گفته شد برسد، انسان باید زکوه آن را بدهد، و چنانچه شک دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، بنابر احتیاط واجب (۱) باید به وسیله آب کردن یا از راه دیگر مقدار خالص آن را معلوم کند.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۲۹۲

زکوه شتر و گاو و گوسفند

مسئله ۱۹۱۵

مسئله ۱۹۱۵- اگر طلا و نقره‌ای که دارد به مقدار معمول فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی‌تواند زکوه آن را از طلا و نقره‌ای بدهد که بیشتر از معمول فلز دیگر دارد. ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست به اندازه زکوتی می‌باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۲۹۷

مسئله ۱۹۱۶

مسئله ۱۹۱۶- زکوه شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد دو شرط دیگر دارد:

اول: آنکه حیوان در تمام سال بی‌کار باشد، و اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، بنابر احتیاط (۱) زکوه آن واجب است.

دوم: آنکه در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد، زکوه ندارد، ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد، بنابر احتیاط زکوه آن واجب می‌باشد.

۱- بلکه علی‌الاقوی زکوه آن واجب نیست و همچنین در مورد خوردن علف مالک یا غیر مالک در یک روز یا دو روز علی‌الاقوی زکوه آن واجب نیست و لکن در هر دو صورت زکوه مستحب است.

کد مسئله: ۶۳۳۰۰

مسئله ۱۹۱۷

مسئله ۱۹۱۷- اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد یا اجاره کند، یا برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکوه را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۰۳

نصاب شتر

مسئله ۱۹۱۸

مسئله ۱۹۱۸- شتر دوازده نصاب دارد:

اول: پنج شتر، و زکوه آن یک گوسفند است، و تا شماره شتر به این مقدار نرسد، زکوه ندارد.

دوم: ده شتر، و زکوه آن دو گوسفند است.

سوم: پانزده شتر، و زکوه آن سه گوسفند است.

چهارم: بیست شتر، و زکوه آن چهار گوسفند است.

پنجم: بیست و پنج شتر، و زکوه آن پنج گوسفند است.

ششم: بیست و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: سی و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: چهل و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: شصت و یک شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم: هفتاد و شش شتر، و زکوه آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشند.

یازدهم: نود و یک شتر، و زکوه آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشند.

دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتری بدهد که

داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد، و یا

با چهل و پنجاه حساب کند، ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا

بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتری که داخل سال چهارم شده، و برای چهل تا، یک شتری که داخل

سال سوم شده بدهد.

کد مسأله: ۶۳۳۰۶

مسأله ۱۹۱۹

مسأله ۱۹۱۹- زکوه مابین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج تا است بگذرد، تا به

نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکوه پنج تای آن را بدهد. و همچنین است در نصابهای بعد.

کد مسأله: ۶۳۳۰۸

نصاب گاو

مسأله ۱۹۲۰

مسأله ۱۹۲۰- گاو دو نصاب دارد:

نصاب اول آن سی تا است، که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله‌ای

که داخل سال دوم شده از بابت زکوه بدهد. و

نصاب دوم آن چهل است، و زکوه آن یک گوساله ماده‌ای است که داخل سال سوم شده باشد. و زکوه مابین سی و چهل واجب

نیست، مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکوه سی تای آنها را بدهد، و نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد، تا به

شصت نرسیده، فقط باید زکوه چهل تای آن را بدهد، و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو

گوساله‌ای که داخل سال دوم شده بدهد، و همچنین هر چه بالا رود باید یا سی تا سی تا حساب کند، یا چهل تا چهل تا، یا با سی و

چهل حساب نماید، و زکوه آن را به دستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن، زکوه سی تا، و برای چهل تای آن، زکوه چهل تا را بدهد، چون اگر به حساب سی تا حساب کند، ده تا زکوه نداده می‌ماند.

کد مسأله: ۶۳۳۱۲

نصاب گوسفند

مسأله ۱۹۲۱

مسأله ۱۹۲۱- گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل، و زکوه آن یک گوسفند است، و تا گوسفند به چهل نرسد زکوه ندارد.

دوم: صد و بیست و یک، و زکوه آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و یک، و زکوه آن سه گوسفند است.

چهارم: سی صد و یک، و زکوه آن چهار گوسفند است.

پنجم: چهارصد و بالاتر از آن است که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهد، و لازم نیست زکوه را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد یا مطابق قیمت گوسفند پول یا جنس دیگر بدهد کافی است.

کد مسأله: ۶۳۳۱۵

مسأله ۱۹۲۲

مسأله ۱۹۲۲- زکوه مابین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد، تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکوه چهل تای آن را بدهد و زیادی آن زکوه ندارد. و همچنین است در نصابهای بعد.

کد مسأله: ۶۳۳۱۷

مسأله ۱۹۲۳

مسأله ۱۹۲۳- زکوه شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب است، چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

کد مسأله: ۶۳۳۱۹

مسأله ۱۹۲۴

مسأله ۱۹۲۴- در زکوه، گاو و گاو میش یک جنس حساب می‌شود، و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است، و همچنین بز و میش و شیشک در زکوه با هم فرق ندارند.

کد مسأله: ۶۳۳۲۲

مسئله ۱۹۲۵

مسئله ۱۹۲۵- اگر گوسفند برای زکوه بدهد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید اقلاً داخل سال دوم شده باشد. و اگر بز بدهد، احتیاطاً باید داخل سال سوم شده باشد.

۱- بلکه علی الاقوی در آن و ما بعد آن

کد مسئله: ۶۳۳۲۴

مسئله ۱۹۲۶

مسئله ۱۹۲۶- گوسفندی را که بابت زکوه می‌دهد، اگر قیمتش مختصری از گوسفندهای دیگر او کمتر باشد اشکال ندارد، ولی بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد. و همچنین است در گاو و شتر.

کد مسئله: ۶۳۳۲۶

مسئله ۱۹۲۷

مسئله ۱۹۲۷- اگر چند نفر با هم شریک باشند، هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکوه بدهد، و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکوه واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۳۲۹

مسئله ۱۹۲۸

مسئله ۱۹۲۸- اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۳۳

مسئله ۱۹۲۹

مسئله ۱۹۲۹- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۳۶

مسئله ۱۹۳۰

مسئله ۱۹۳۰- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد، همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می‌تواند زکوه را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند، نمی‌تواند زکوه آنها را مریض یا معیوب یا پیر بدهد، بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض، و دسته‌ای معیوب و دسته دیگری بی عیب، و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکوه آنها سالم و بی عیب و جوان بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۵۱

مسئله ۱۹۳۱

مسأله ۱۹۳۱- اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد، و چهل گوسفند دیگر بگیرد زکوه بر او واجب نیست.
کد مسأله: ۶۳۳۵۴

مسأله ۱۹۳۲

مسأله ۱۹۳۲- کسی که باید زکوه گاو و گوسفند و شتر را بدهد اگر زکوه آنها را از مال دیگرش بدهد تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکوه را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکوه بر او واجب نیست مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد اگر از مال دیگرش زکوه آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده زکوه بر او واجب نیست.
کد مسأله: ۶۳۳۵۷

مصرف زکوه

مسأله ۱۹۳۳

مسأله ۱۹۳۳- انسان می‌تواند زکوه را در هشت مورد مصرف کند:
اول: فقیر، و آن کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست.
دوم: مسکین، و آن کسی است که از فقیر سخت تر می‌گذراند.
سوم: کسی که از طرف امام علیه‌السلام یا نایب امام مامور است که زکوه را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه‌السلام یا نایب امام یا فقرا برساند.
چهارم: کافرهایی که اگر زکوه به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.
پنجم: خریداری بندها و آزاد کردن آنان.
ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.
هفتم: سیل الله یعنی کارهایی که منفعت عمومی دینی دارد، مثل ساختن مسجد و مدرسه ای که علوم دینی در آن خوانده می‌شود.
هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده. و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.
کد مسأله: ۶۳۳۶۰

مسأله ۱۹۳۴

مسأله ۱۹۳۴- احتیاط واجب (۱) آن است که فقیر و مسکین بیشتر از مخارج سال خود و عیالاتش را از زکوه نگیرد، و اگر مقداری پول یا جنس دارد فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش زکوه بگیرد.
۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است ولی در صورتی که یک دفعه نگیرد و به تدریج اخذ زکوه نماید نمی‌تواند زاید بر مخارج سالش اخذ کند.
کد مسأله: ۶۳۳۶۳

مسئله ۱۹۳۵

مسئله ۱۹۳۵- کسی که مخارج سالش را داشته اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج سال او هست یا نه نمی‌تواند زکوه بگیرد
کد مسئله: ۶۳۳۶۵

مسئله ۱۹۳۶

مسئله ۱۹۳۶- صنعتگر یا مالک یا تاجری که در آمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارجش زکوه بگیرد و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به مصرف مخارج برساند.
کد مسئله: ۶۳۳۷۳

مسئله ۱۹۳۷

مسئله ۱۹۳۷- فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد اگر خانه‌ای دارد که ملک اوست و در آن نشسته یا مال سواری دارد چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند اگرچه برای حفظ آبرویش باشد می‌تواند زکوه بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد و فقیری که اینها را ندارد اگر به اینها احتیاج داشته باشد می‌تواند از زکوه خریداری نماید.
کد مسئله: ۶۳۳۷۷

مسئله ۱۹۳۸

مسئله ۱۹۳۸- فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد، و با گرفتن زکوه زندگی نکند ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می‌تواند زکوه بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۳۸۰

مسئله ۱۹۳۹

مسئله ۱۹۳۹- به کسی که قبلاً فقیر بوده، و می‌گوید فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکوه داد.
کد مسئله: ۶۳۳۸۳

مسئله ۱۹۴۰

مسئله ۱۹۴۰- کسی که می‌گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده یا معلوم نیست، فقیر بوده یا نه چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکوه ندهند. (۱)
۱- بلکه علی الاقوی ندهند تا علم یا اطمینان یا بینة اقامه شود.
کد مسئله: ۶۳۳۸۵

مسئله ۱۹۴۱

مسئله ۱۹۴۱- کسی که باید زکوه بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند.
کد مسئله: ۶۳۳۸۸

مسئله ۱۹۴۲

مسئله ۱۹۴۲- اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرض نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند. ولی اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد، بنابر احتیاط واجب (۱) نباید طلبی را که از او دارد، بابت زکوه حساب کند.
۱- بلکه علی‌الاقوی نباید طلب را از زکوه حساب کرد.
کد مسئله: ۶۳۳۹۱

مسئله ۱۹۴۳

مسئله ۱۹۴۳- چیزی را که انسان بابت زکوه به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکوه است. بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به اسم پیشکش بدهد ولی باید قصد زکوه نماید.
کد مسئله: ۶۳۳۹۵

مسئله ۱۹۴۴

مسئله ۱۹۴۴- اگر به خیال این که کسی فقیر است به او زکوه بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکوه بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته زکوه است انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نمی‌دانسته زکوه است نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکوه را به مستحق بدهد.
کد مسئله: ۶۳۳۹۷

مسئله ۱۹۴۵

مسئله ۱۹۴۵- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگرچه مخارج سال خود را داشته باشد می‌تواند برای دادن قرض خود زکوه بگیرد ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد یا اگر در معصیت خرج کرده از آن معصیت توبه کرده باشد. (۱)
۱- توبه شرط اداء دین از زکوه نیست ولیکن احتیاط مستحسن است.
کد مسئله: ۶۳۴۰۴

مسئله ۱۹۴۶

مسئله ۱۹۴۶- اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد زکوه بدهد بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می‌تواند آنچه را به او داده بابت زکوه حساب کند ولی احتیاط واجب آن است که اگر از آن

معصیت توبه نکرده (۱) چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب نکند.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۴۰۸

مسأله ۱۹۴۷

مسأله ۱۹۴۷- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگرچه فقیر نباشد انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند.

کد مسأله: ۶۳۴۱۱

مسأله ۱۹۴۸

مسأله ۱۹۴۸- مسافری که خرجی او تمام شده یا مرکبش از کار افتاده چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی، خود را به مقصد برساند اگرچه در وطن خود فقیر نباشد می‌تواند زکوه بگیرد ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند فقط به مقداری که به آنجا برسد. می‌تواند زکوه بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۴۱۴

شرایط کسانی که مستحق زکاتند

مسأله ۱۹۴۹

مسأله ۱۹۴۹- مسافری که در سفر در مانده شده و زکوه گرفته، بعد از آنکه به وطنش رسید، اگر چیزی از زکوه زیاد آمده باشد، باید آن را به حاکم شرع بدهد (۱) و بگوید آن چیز زکوه است.

۱- لازم نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۴۱۷

مسأله ۱۹۵۰

مسأله ۱۹۵۰- کسی که زکوه می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد، و اگر انسان کسی را شیعه بداند و به او زکوه بدهد، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکوه بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۱۹

مسأله ۱۹۵۱

مسأله ۱۹۵۱- اگر طفل یا دیوانه‌ای از شیعه فقیر باشد انسان می‌تواند به ولی او زکوه بدهد، به قصد اینکه آنچه را می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد.

کد مسأله: ۶۳۴۲۲

مسأله ۱۹۵۲

مسئله ۱۹۵۲- اگر به ولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکوه را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکوه به مصرف آنان می‌رسد نیت زکوه کنند.

کد مسئله: ۶۳۴۲۴

مسئله ۱۹۵۳

مسئله ۱۹۵۳- به فقیری که گدایی می‌کند می‌شود زکوه داد، ولی به کسی که زکوه را در معصیت مصرف می‌کند نمی‌شود زکوه داد.

کد مسئله: ۶۳۴۲۷

مسئله ۱۹۵۴

مسئله ۱۹۵۴- به کسی که معصیت کبیره را آشکارا بجا می‌آورد احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه ندهند.
۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۴۳۱

مسئله ۱۹۵۵

مسئله ۱۹۵۵- به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد می‌شود زکوه داد.

کد مسئله: ۶۳۴۳۴

مسئله ۱۹۵۶

مسئله ۱۹۵۶- انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکوه بدهد ولی اگر مخارج آنان را ندهد دیگران می‌توانند به آنان زکوه بدهند.

کد مسئله: ۶۳۴۳۷

مصرف زکوه

مسئله ۱۹۵۷

مسئله ۱۹۵۷- اگر انسان زکوه به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۴۳۹

شرایط کسانی که مستحق زکاتند

مسئله ۱۹۵۸

مسئله ۱۹۵۸- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکوه بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۲

مسأله ۱۹۵۹

مسأله ۱۹۵۹- پدر می‌تواند به پسرش زکوه بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می‌تواند برای آن که پدرش زن بگیرد، زکوه خود را به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۴

مسأله ۱۹۶۰

مسأله ۱۹۶۰- به زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد یا خرجی نمی‌دهد ولی ممکن است او را بدادن خرجی مجبور کنند، نمی‌شود زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۷

مسأله ۱۹۶۱

مسأله ۱۹۶۱- زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکوه بدهند ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمی‌شود به آن زن زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۹

مسأله ۱۹۶۲

مسأله ۱۹۶۲- زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکوه بدهد اگر چه شوهر زکوه را صرف مخارج خود آن زن نماید.

کد مسأله: ۶۳۴۵۱

مسأله ۱۹۶۳

مسأله ۱۹۶۳- سید نمی‌تواند از غیر سید زکوه بگیرد ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکوه ناچار باشد می‌تواند از غیر سید زکوه بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۴۵۳

مسأله ۱۹۶۴

مسأله ۱۹۶۴- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه می‌شود زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۵۶

نیت زکوه

مسئله ۱۹۶۵

مسئله ۱۹۶۵- انسان باید زکوه را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می دهد زکوه مال است یا زکوه فطره، ولی اگر مثلاً زکوه گندم و جو بر او واجب باشد لازم نیست معین کند چیزی را که می دهد زکوه گندم است یا زکوه جو.

کد مسئله: ۶۳۴۵۸

مسئله ۱۹۶۶

مسئله ۱۹۶۶- کسی که زکوه چند مال بر او واجب شده اگر مقداری زکوه بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد زکوه همان جنس حساب می شود، (۱) و اگر هم جنس هیچ کدام آنها نباشد به همه آنها قسمت می شود پس کسی که زکوه چهل گوسفند و زکوه پانزده مثقال طلا بر او واجب است اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکوه بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند زکوه گوسفند حساب می شود ولی اگر مقداری نقره بدهد به زکوٰتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می شود.

۱- در صورتی که قصد زکوه آن جنس بکند والا توزیع می شود مثل صورتی که با هیچ کدام هم جنس نباشد.

کد مسئله: ۶۳۴۶۱

مسئله ۱۹۶۷

مسئله ۱۹۶۷- اگر کسی را وکیل کند که زکوه مال او را بدهد، موقعی که زکوه را به آن وکیل می دهد، بنابر احتیاط واجب باید نیت کند که آنچه را وکیل او بعداً به فقیر می دهد زکوه باشد، وکیل هم وقتی که زکوه را به فقیر می دهد، باید از طرف مالک نیت زکوه کند.

کد مسئله: ۶۳۴۶۴

مسائل متفرقه زکوه**مسئله ۱۹۶۸**

مسئله ۱۹۶۸- اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکوه را به فقیر بدهد و پیش از آن که آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکوه کند زکوه حساب می شود.

کد مسئله: ۶۳۴۶۶

مسئله ۱۹۶۹

مسئله ۱۹۶۹- موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور (۱) انسان باید زکوه را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند و زکوه طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن، ماه یازدهم باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید. ولی اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، می تواند زکوه را جدا نکند.

۱- بلکه موقع چیدن خرما و انگور

کد مسأله: ۶۳۴۶۸

مسأله ۱۹۷۰

مسأله ۱۹۷۰- بعد از جدا کردن زکوه لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد. ولی اگر به کسی که می‌شود زکوه داد دسترسی دارد احتیاط مستحب (۱) آن است که دادن زکوه را تاخیر نیندازد.

۱- این احتیاط واجب است مگر برای جهتی مثل انتظار فقیر معین یا فقیر افضل

کد مسأله: ۶۳۴۷۱

مسأله ۱۹۷۱

مسأله ۱۹۷۱- کسی که می‌تواند زکوه را به مستحق برساند اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۷۳

مسأله ۱۹۷۲

مسأله ۱۹۷۲- کسی که می‌تواند زکوه را به مستحق برساند اگر زکوه را ندهد و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود چنانچه دادن زکوه را به قدری تاخیر انداخته که نمی‌گویند فوراً داده است باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده بنابر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۷۶

مسأله ۱۹۷۳

مسأله ۱۹۷۳- اگر زکوه را از خود مال کنار بگذرد می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد می‌تواند در تمام مال تصرف نماید.

کد مسأله: ۶۳۴۷۸

مسأله ۱۹۷۴

مسأله ۱۹۷۴- انسان نمی‌تواند زکوتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد

کد مسأله: ۶۳۴۸۱

مسأله ۱۹۷۵

مسأله ۱۹۷۵- اگر از زکوتی که کنار گذاشته منفعتی ببرد مثلاً گوسفندی که برای زکوه گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است.

کد مسأله: ۶۳۴۸۴

مسأله ۱۹۷۶

مسئله ۱۹۷۶- اگر موقعی که زکوه را کنار می‌گذارد مستحقی حاضر باشد بهتر است زکوه را به او بدهد (۱) مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکوه به او از جهتی بهتر باشد.

۱- لازم است مگر فقیر معین یا فقیر افضل در نظر داشته باشد.

کد مسئله: ۶۳۴۸۷

مسئله ۱۹۷۷

مسئله ۱۹۷۷- اگر بدون اجازه حاکم شرع با مالی که برای زکوه کنار گذاشته تجارت کند و ضرر نماید، نباید چیزی از زکوه کم کند، ولی اگر منفعت کند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید آن را به مستحق بدهد.

۱- در صورت اجازه حاکم شرع معامله صحیح و منفعت متعلق به مال زکوی است والا معامله صحیح نیست.

کد مسئله: ۶۳۴۸۹

مسئله ۱۹۷۸

مسئله ۱۹۷۸- اگر پیش از آن که زکوه بر او واجب شود چیزی بابت زکوه به فقیر بدهد زکوه حساب نمی‌شود و بعد از آن که زکوه بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد می‌تواند چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۴۹۶

مسئله ۱۹۷۹

مسئله ۱۹۷۹- فقیری که می‌داند زکوه بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوه بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکوه بر انسان واجب می‌شود اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد می‌تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۵۰۹

مسئله ۱۹۸۰

مسئله ۱۹۸۰- فقیری که نمی‌داند زکوه بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوه بگیرد و پیش او تلف شود ضامن نیست و انسان نمی‌تواند عوض آن را بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۵۱۱

مسئله ۱۹۸۱

مسئله ۱۹۸۱- مستحب است زکوه گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکوه، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که اهل سؤال نیستند، بر اهل سؤال مقدم بدارد، ولی اگر دادن زکوه به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد مستحب است زکوه را به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۱۳

مسأله ۱۹۸۲

مسأله ۱۹۸۲- بهتر است زکوه را آشکار، و صدقه مستحبی را، مخفی بدهند.

کد مسأله: ۶۳۵۱۷

مسأله ۱۹۸۳

مسأله ۱۹۸۳- اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکوه بدهد مستحق نباشد، و نتواند زکوه را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکوه را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکوه برساند و می‌تواند مخارج بردن به آن شهر را از زکوه بردارد و اگر زکوه تلف شود ضامن نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۲۰

مسأله ۱۹۸۴

مسأله ۱۹۸۴- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود می‌تواند زکوه را به شهر دیگر ببرد، ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکوه تلف شود ضامن است مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد.

کد مسأله: ۶۳۵۲۵

مسأله ۱۹۸۵

مسأله ۱۹۸۵- اجرت وزن کردن و پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکوه می‌دهد با خود اوست.

کد مسأله: ۶۳۵۲۹

مسأله ۱۹۸۶

مسأله ۱۹۸۶- کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر، از بابت زکوه بدهکار است، بنابر احتیاط واجب (۱) باید کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره به یک فقیر ندهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره برسد، بنابر احتیاط واجب باید به یک فقیر کمتر از آن ندهد.

۱- این احتیاط و احتیاط بعد از آن لازم نیست ولیکن مستحسن است

کد مسأله: ۶۳۵۳۰

مسأله ۱۹۸۷

مسأله ۱۹۸۷- مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکوتی را که از او گرفته به او بفروشد ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آنکه به قیمت رساند کسی که زکوه را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

کد مسأله: ۶۳۵۳۱

مسئله ۱۹۸۸

مسئله ۱۹۸۸- اگر شک کند زکوتی را که بر او واجب بوده داده یا نه باید زکوه را بدهد هر چند شک او برای زکوه سالهای پیش باشد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۲

مسئله ۱۹۸۹

مسئله ۱۹۸۹- فقیر نمی‌تواند زکوه را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گرانتر از قیمت آن بابت زکوه قبول نماید، یا زکوه را از مالک بگیرد و به او ببخشد. ولی کسی که زکوه زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی‌تواند زکوه را بدهد، چنانچه بخواهد توبه کند، فقیر می‌تواند زکوه را از او بگیرد و به او ببخشد. (۱)

۱- ولی بر او شرط کند در صورت تجدد تمکن زکوه را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۳

مسئله ۱۹۹۰

مسئله ۱۹۹۰- انسان می‌تواند از زکوه قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است. و نیز می‌تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۴

مسئله ۱۹۹۱

مسئله ۱۹۹۱- انسان نمی‌تواند از زکوه ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

کد مسئله: ۶۳۵۳۵

مسئله ۱۹۹۲

مسئله ۱۹۹۲- فقیر می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکوه بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکوه گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی‌تواند زکوه بگیرد. (۱)

۱- به عنوان فقراء ولی می‌تواند از سهم سبیل الله زکوه بگیرد و زیارت و حج برود

کد مسئله: ۶۳۵۳۶

مسئله ۱۹۹۳

مسئله ۱۹۹۳- اگر مالک فقیری را وکیل کند، که زکوه مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکوه بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می‌تواند بردارد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۷

مسأله ۱۹۹۴

مسأله ۱۹۹۴- اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکوه بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکوه گفته شد در آنها جمع شود باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۸

مسأله ۱۹۹۵

مسأله ۱۹۹۵- اگر دو نفر در مالی که زکوه آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکوه قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند چنانچه بداند شریکش زکوه سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۹

مسأله ۱۹۹۶

مسأله ۱۹۹۶- کسی که خمس یا زکوه بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد چنانچه نتواند همه آنها را بدهد اگر مالی که خمس یا زکوه آن واجب شده از بین نرفته باشد باید خمس و زکوه را بدهد و اگر از بین رفته باشد می تواند خمس یا زکوه را بدهد یا کفاره و نذر و قرض و مانند اینها را ادا نماید.

کد مسأله: ۶۳۵۴۰

مسأله ۱۹۹۷

مسأله ۱۹۹۷- کسی که خمس یا زکوه بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد چنانچه مالی که خمس و زکوه آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکوه را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکوه آن واجب شده از بین رفته باشد باید مال او را به خمس و زکوه و قرض و نذر و مانند اینها قسمت نمایند مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند.

کد مسأله: ۶۳۵۴۱

مسأله ۱۹۹۸

مسأله ۱۹۹۸- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم واجب یا مستحب باشد، می شود به او زکوه داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکوه دادن به او اشکال دارد.

(۱)

۱- در صورت تحصیل علم مباح هم اشکال ندارد با صدق عنوان فقر بر او و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۵۴۲

زکوه فطره

مسئله ۱۹۹۹

مسئله ۱۹۹۹- کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است، گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد، و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی است.

کد مسئله: ۶۳۵۴۳

مسئله ۲۰۰۰

مسئله ۲۰۰۰- کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و دادن زکوه فطره بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۵۴۴

مسئله ۲۰۰۱

مسئله ۲۰۰۱- انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می‌شوند، بدهد کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

کد مسئله: ۶۳۵۵۷

مسئله ۲۰۰۲

مسئله ۲۰۰۲- اگر کسی را که نان خور اوست و در شهر دیگر است، وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می‌دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۵۸

مسئله ۲۰۰۳

مسئله ۲۰۰۳- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و نان خور او حساب می‌شود، (۱) بر او واجب است.

۱- بعید نیست که صدق عنوان مهمان و ضیف کافی باشد و لازم نیست که عنوان غیلوله بر مهمان صدق کند. (یعنی شرط نیست نان خور او حساب شود و همین که صدق مهمان کند کافی است).

کد مسئله: ۶۳۵۵۹

مسئله ۲۰۰۴

مسئله ۲۰۰۴- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می‌شود و مدتی نزد او می‌ماند بنابر احتیاط، واجب است، و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۰

مسأله ۲۰۰۵

مسأله ۲۰۰۵- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

کد مسأله: ۶۳۵۶۱

مسأله ۲۰۰۶

مسأله ۲۰۰۶- اگر کسی موقع غروب شب عید فطر، دیوانه یا بیهوش باشد زکوه فطره بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۶۲

مسأله ۲۰۰۷

مسأله ۲۰۰۷- اگر پیش از غروب یا مقارن غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۳

مسأله ۲۰۰۸

مسأله ۲۰۰۸- کسی که موقع غروب شب عید فطر، زکوه فطره براو واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۴

مسأله ۲۰۰۹

مسأله ۲۰۰۹- کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده، فطره بر او واجب نیست. ولی مسلمانی که شیعه نبوده اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۵

مسأله ۲۰۱۰

مسأله ۲۰۱۰- کسی که فقط به اندازه یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکوه فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد می‌تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که می‌گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، ولی او بجای او می‌گیرد و احتیاط آن است چیزی را که برای صغیر گرفته به کسی ندهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۶

مسأله ۲۰۱۱

مسأله ۲۰۱۱- اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه‌دار شود، یا کسی نان‌خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد، اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از غروب تا پیش از ظهر روز عید نان‌خور او حساب می‌شوند بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۷

مسأله ۲۰۱۲

مسأله ۲۰۱۲- اگر انسان نان‌خور کسی باشد و پیش از غروب یا مقارن غروب نان‌خور کس دیگر شود، فطره او بر کسی که نان‌خور او شده واجب است، مثلاً اگر دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۸

مسأله ۲۰۱۳

مسأله ۲۰۱۳- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۹

مسأله ۲۰۱۴

مسأله ۲۰۱۴- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خود انسان واجب نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۳۵۷۰

مسأله ۲۰۱۵

مسأله ۲۰۱۵- اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود. (۱)

۱- مگر در صورتی که به اذن او یا بدون اذن او از طرف او تبرعاً بدهد که ساقط می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۵۷۱

مسأله ۲۰۱۶

مسأله ۲۰۱۶- زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد، چنانچه نان‌خور کس دیگر باشد، فطره‌اش بر آن کس واجب است. و اگر نان‌خور کس دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۷۲

مسأله ۲۰۱۷

مسئله ۲۰۱۷- کسی که سید نیست نمی‌تواند به سید فطره بدهد. حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۳

مسئله ۲۰۱۸

مسئله ۲۰۱۸- فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۵۷۴

مسئله ۲۰۱۹

مسئله ۲۰۱۹- انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۵

مسئله ۲۰۲۰

مسئله ۲۰۲۰- اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد باید فطره او را هم بدهد، ولی چنانچه شرط کند که مقداری از مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، واجب نیست فطره او را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۶

مسئله ۲۰۲۱

مسئله ۲۰۲۱- اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

کد مسئله: ۶۳۵۷۷

مصرف زکوه فطره

مسئله ۲۰۲۲

مسئله ۲۰۲۲- اگر زکوه فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکوه مال گفته شد برسانند کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرای شیعه بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۸

زکوه فطره

مسئله ۲۰۲۳

مسئله ۲۰۲۳- اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطره را به مصرف او برساند یا به واسطه دادن به ولی طفل ملک طفل نماید.

کد مسئله: ۶۳۵۷۹

مسئله ۲۰۲۴

مسئله ۲۰۲۴- فقری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد، ولی احتیاط واجب آن است که به شراب خوار (۱) و کسی که آشکارا معصیت می‌کند (۲) فطره ندهند.

۱- بلکه احتیاط مستحسن است نه واجب.

۲- این احتیاط مستحسن است نه واجب.

کد مسئله: ۶۳۵۸۰

مصرف زکوة فطره

مسئله ۲۰۲۵

مسئله ۲۰۲۵- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره بدهند.

کد مسئله: ۶۳۵۸۱

مسئله ۲۰۲۶

مسئله ۲۰۲۶- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند. ولی اگر بیشتر بدهند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۵۸۲

مسئله ۲۰۲۷

مسئله ۲۰۲۷- اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد کافی نیست، و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.

(۱)

۱- مگر آنکه بفروشد به فقیر و ثمن آن را بعنوان زکوة فطره حساب کند که در این صورت بی اشکال است.

کد مسئله: ۶۳۵۸۳

مسئله ۲۰۲۸

مسئله ۲۰۲۸- انسان نمی‌تواند نصف صاع را از یک جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر مثلاً جو بدهد، و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد. (۱)

۱- به قصد قیمت اشکالی ندارد ولیکن احتیاط مستحسن آن است که آن را به فقیر بفروشد و ثمن آن را به عنوان قیمت فطره حساب

کند.

کد مسأله: ۶۳۵۸۴

مسأله ۲۰۲۹

مسأله ۲۰۲۹- مستحب است در دادن زکوة فطره خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را بعد اهل علم فقیر را ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند مستحب است آنها را مقدم بدارد.

کد مسأله: ۶۳۵۸۵

مسأله ۲۰۳۰

مسأله ۲۰۳۰- اگر انسان به خیال این که کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده، چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، می‌تواند پس بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر نتواند بگیرد باید از مال خودش فطره را بدهد، (۱) و اگر از بین رفته باشد در صورتی که گیرنده فطره می‌دانسته آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد، و اگر نمی‌دانسته دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد. (۲)

۱- در صورت مسامحه در تشخیص مستحق والا لازم نیست.

۲- در صورت مسامحه در تشخیص و الا ضامن نیست و دوباره واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۸۶

مسأله ۲۰۳۱

مسأله ۲۰۳۱- اگر کسی بگوید فقیرم نمی‌شود به او فطره داد، مگر آن که از گفتن او اطمینان پیدا شود یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

کد مسأله: ۶۳۵۸۷

مسائل متفرقه زکوة فطره**مسأله ۲۰۳۲**

مسأله ۲۰۳۲- انسان باید زکوة فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و موقعی که آن را می‌دهد نیت دادن فطره نماید.

کد مسأله: ۶۳۵۸۸

مسأله ۲۰۳۳

مسأله ۲۰۳۳- اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست، و احتیاط واجب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد، ولی اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد.

کد مسأله: ۶۳۵۸۹

مسأله ۲۰۳۴

مسأله ۲۰۳۴- گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می‌دهد باید به جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد و چنانچه مخلوط باشد اگر خالص آن به یک صاع که تقریباً سه کیلو گرم است برسد، یا آنچه مخلوط شده به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۰

مسأله ۲۰۳۵

مسأله ۲۰۳۵- اگر فطره را از چیز معیوب بدهد، کافی نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۹۱

مسأله ۲۰۳۶

مسأله ۲۰۳۶- کسی که فطره چند نفر را می‌دهد لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعض دیگر را جو بدهد کافی است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۲

مسأله ۲۰۳۷

مسأله ۲۰۳۷- کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر نماز عید نمی‌خواند می‌تواند دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۳

مسأله ۲۰۳۸

مسأله ۲۰۳۸- اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد احتیاط واجب (۱) آن است که هر وقت آن را می‌دهد نیت فطره نماید.

۱- بلکه واجب آن است که به عنوان فطره بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۴

مسأله ۲۰۳۹

مسأله ۲۰۳۹- اگر موقعی که دادن زکوة فطره واجب است فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، بعداً باید بدون این که نیت ادا و قضا کند، فطره را بدهد. (۱)

۱- بلکه علی الاقوی نیت زکوة فطره نماید و آن را به عنوان اداء بپردازد

کد مسأله: ۶۳۵۹۵

مسأله ۲۰۴۰

مسأله ۲۰۴۰- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۶

مسأله ۲۰۴۱

مسأله ۲۰۴۱- اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۷

مسأله ۲۰۴۲

مسأله ۲۰۴۲- اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته باید عوض آن را بدهد و اگر دسترسی به فقیر نداشته ضامن نیست. (۱)
۱- در صورتی که مسامحه در حفظ نکرده باشد والا ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۸

مسأله ۲۰۴۳

مسأله ۲۰۴۳- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب (۱) آن است که فطره را به جای دیگر نبرد. و اگر به جای دیگر برد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

۱- بلکه احتیاط مستحسن آن است که به جای دیگری نبرد و اقوی جواز نقل است. ولی در صورت نقل و تلف ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۹

احکام حج**مسأله ۲۰۴۴**

مسأله ۲۰۴۴- حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده‌اند در آن جا بجا آورده شود، و در تمام عمر هر کسی که این شرایط را دارا باشد یک مرتبه واجب می‌شود: اول: آنکه بالغ باشد. دوم: آنکه عاقل و آزاد باشد. سوم: به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را انجام دهد یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است (۱) ترک نماید. پس اگر مثلاً مجبور باشد از راه غصبی برود و راه دیگری هم نباشد نباید به حج برود. چهارم: آنکه مستطیع باشد، و مستطیع بودن به چند چیز است: اول: آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد. دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را بجا آورد. سوم: در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگرچه دورتر باشد باید از آن برود.